



تاریخ فلسفه غریب

آنتونی کنی ترجمه رضایعقوبی

تاریخ فلسفه غرب

۴

پیدايش فلسفه جديد



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: آنتونی کنی، ۱۹۳۱-م. Kenny, Anthony
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ فلسفه غرب (پیدایش فلسفه جدید) / آنتونی کنی / رضا یعقوبی
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ج ۳
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۳۹۸-۲
شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۳۷۵-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: A new history of Western Philosophy: عنوان اصلی:
مندرجات: ج ۳. پیدایش فلسفه جدید
موضوع: فلسفه -- تاریخ
شناسه افزوده: یعقوبی، رضا، ۱۳۶۷ اسفند، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ت ۲ ک ۹ / B ۷۲
رده‌بندی دیویی: ۱۹۰
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۰۶۵۵۵



تاریخ فلسفه غرب (پیدایش فلسفه جدید)

آنتونی کنی ترجمه رضا یعقوبی
آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۸، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴

طبقه سوم، تلفن، ۰۵ ۶۶۴۷۷۴

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

@ketabeparseh



فهرست

مقدمه	۱۳
۱. فلسفه قرن شانزدهم	۱۹
انسان‌گرایی و اصلاح	۱۹
گناه، فیض و اختیار	۲۴
مرجعیت و وجدان	۲۷
انحطاط منطق	۳۰
شکاکیت، مقدس و نامقدس	۳۳
فلسفه ضد اصلاحات	۳۷
جوردانو برونو	۴۱
گالیله	۴۴
بیکن	۴۹
۲. از دکارت تا برکلی	۵۹
دکارت	۵۹
هابز	۶۹
افلاطونیان کمبریج	۷۶
لاک	۷۹

۱۰ ■ تاریخ فلسفه غرب

۸۴	پاسکال
۸۹	مالبرانش
۹۴	اسپینوزا
۱۰۴	لایب‌نیتس
۱۱۱	برکلی
۳. از هیوم تا هگل	
۱۱۹	هیوم
۱۲۶	اسمیت و رید
۱۳۱	جنبش روشنگری
۱۳۶	روسو
۱۳۸	ولف و لسینگ
۱۴۳	کانت
۱۵۴	فیخته و شلینگ
۱۵۸	هگل
۴. معرفت‌شناسی	
۱۶۵	شکاکیتمونتنی
۱۶۸	پاسخ دکارت
۱۷۱	آگاهی دکارتی
۱۷۸	تجربه‌گرایی هابز
۱۸۳	تصورهای لاک
۱۹۰	مراتب معرفت از نگاه اسپینوزا
۱۹۶	معرفت‌شناسی لایب‌نیتس
۲۰۱	کیفیات و تصورها از نگاه برکلی
۲۰۶	تصورات و تأثرات از نگاه هیوم
۲۱۳	گزاره‌های ترکیبی پیشینی کانت
۲۱۸	واقع‌گرایی در مقابل ایده‌آلیسم
۲۲۱	معرفت‌شناسی ایده‌آلیستی
۵. فیزیک	
۲۲۵	

۲۲۵ فلسفه طبیعی
۲۲۹ فیزیک دکارتی
۲۳۳ اتمیسم گاسندی
۲۳۵ نیوتن
۲۳۶ هزارتوی مسئله پیوستگی
۲۳۹ جدلی‌الطرفین‌های کانت
۲۴۳ ۶. مابعدالطبیعه
۲۴۳ مابعدالطبیعه سوارز.
۲۴۷ حقایق ازلی از نگاه دکارت
۲۵۱ سه مفهوم جوهر
۲۵۵ جوهر ضروری واحد
۲۵۹ مجال دادن به امکان
۲۶۴ ایده آلیسم برکلی
۲۷۱ علیت از نگاه هیوم
۲۷۵ پاسخ کانت
۲۸۱ ۷. نفس و ذهن
۲۸۱ ذهن از نگاه دکارت
۲۸۷ دوگانه‌انگاری و نارضایتی‌هایش
۲۹۰ جبرگرایی، اختیار و سازگارگرایی
۲۹۶ هویت شخصی از نگاه لاک
۳۰۱ نفس به عنوان تصور جسم در فلسفه اسپینوزا
۳۰۵ مونا‌دشناسی لایب‌نیتس
۳۱۰ روح و خویشتن از نگاه برکلی و هیوم
۳۱۷ ساختار ذهن از نگاه کانت
۳۲۵ ۸. اخلاق
۳۲۶ توجیه‌گری اخلاقی
۳۳۱ عرفان و رواقی‌گری
۳۳۴ پاسکال در مقابل یسوعیان

۱۲ ■ تاریخ فلسفه غرب

- ۳۳۹ نظام اخلاقی اسپینوزا
- ۳۴۴ عقل، عاطفه و فضیلت از نگاه هیوم
- ۳۴۷ اخلاق، تکلیف و قانون از نگاه کانت
- ۳۵۳ نظریه اخلاقی هگل
- ۳۵۹ ۹. فلسفه سیاسی
- ۳۵۹ شهریار ماکیاولی
- ۳۶۲ آرمان شهر مور
- ۳۶۹ جنگ عادلانه و ناعادلانه
- ۳۷۲ قدرت مطلق و هرج و مرج از نگاه هابز
- ۳۷۹ جبرگرایی سیاسی اسپینوزا
- ۳۸۱ دولت مدنی از نگاه لاک
- ۳۸۵ قانون از نگاه مونتسکیو
- ۳۸۷ روسو و اراده عمومی
- ۳۹۳ دولت - شهر از نگاه هگل
- ۳۹۷ ۱۰. خدا
- ۳۹۷ علم مطلق الهی و اختیار از نگاه مولینا
- ۴۰۰ الهیات عقلی دکارت
- ۴۰۳ خدا از نگاه پاسکال و اسپینوزا
- ۴۰۸ خوش بینی لایب نیتس
- ۴۱۲ خدای برکلی
- ۴۱۵ دین از نگاه هیوم
- ۴۲۲ دیالکتیک الهیاتی کانت
- ۴۲۸ مطلق هگل
- ۴۳۳ وقایع نگاری
- ۴۳۵ فهرست اختصارات
- ۴۳۹ کتاب شناسی
- ۴۵۱ واژه نامه
- ۴۵۵ نمایه

مقدمه

این سومین جلد از طرح تاریخ فلسفه چهار جلدی است که سیر فلسفه از آغاز تا امروز را در بر دارد. جلد اول، فلسفه باستان، قرن‌های اولیه فلسفه در یونان باستان و روم را توصیف کرد. جلد دوم، فلسفه قرون وسطی، ماجرا را از تغییر دین آگوستین تا رنسانس انسان‌گرا پی گرفت. مجلد حاضر هم سرگذشت فلسفه را از آغاز قرن شانزدهم تا آغاز قرن نوزدهم روایت می‌کند. جلد آخر هم برای روایت تاریخ فلسفه از زمان کارل مارکس و جان استوارت میل تا امروز در نظر گرفته شده است.

جلد حاضر همان ساختار دو جلد قبلی را دارد. در فصل اول بررسی تاریخی فیلسوفان آن دوره را آورده‌ام. در مابقی فصل‌ها هم به شکل موضوعی، مشارکت آن‌ها را در بحث از موضوعات فلسفی خاصی که اهمیت همیشگی دارند، ارائه کرده‌ام. برخی مخاطبان اصولاً به این خاطر تاریخ فلسفه می‌خوانند که وضع جوامع و مردمان گذشته را روشن می‌کند. سایر مخاطبان افکار فلاسفه بزرگ فقید را می‌خوانند تا پژوهش در موضوعات فلسفی حاضر برایشان واضح‌تر شود. امیدوارم با فراهم کردن این کتاب، نیاز هر دو دسته از مخاطبان را برآورده کرده باشم. مخاطبانی که بیشتر به تاریخ علاقه دارند، می‌توانند بر بررسی تاریخی متمرکز شوند و هر جا لازم بود برای تقویت بیشتر به بخش موضوعی رجوع کنند. مخاطبانی هم که علاقه اصلی‌شان

فلسفه است، بیشتر بر بخش‌های موضوعی کتاب تمرکز خواهند کرد و برای قرار دادن مسائل خاص در موقعیت خودشان به بخش تاریخی مراجعه می‌کنند.

مخاطبان این کتاب در درجه اول، دانشجویان سال دوم یا سوم دوره کارشناسی‌اند. ولی خیلی از کسانی که به تاریخ فلسفه علاقه دارند در رشته‌هایی درس می‌خوانند که لزوماً فلسفی نیستند. به همین خاطر من هم فرض نکرده‌ام که مخاطبانم با اصطلاحات یا روش‌های فلسفی معاصر آشنایی دارند. همچنین، در کتاب‌شناسی، بجز متون اصلی اندیشمندان هر دوره، کتابی که انگلیسی نباشد، نیآورده‌ام. هم اینکه سعی کردم نامفهوم حرف نزنم و به قدر کفایت واضح بنویسم تا کسانی را هم که تاریخ فلسفه را نه به خاطر برنامه درسی بلکه به خاطر سرگرمی و روشن شدن ذهن خود می‌خوانند، جذب کند.

این کار برای من آسان‌تر است، چون مجبور بوده‌ام موضوعات تاریخی را مثل یک مبتدی بنویسم تا یک متخصص. در عصر ما که مطالعه پژوهشی آثار فلاسفه گذشته به نحو تصاعدی افزایش یافته، منابع دست دوم بسیار زیادی در سال‌های اخیر درباره فلاسفه‌ای که در جلد حاضر آورده‌ام، منتشر شده است که هر چه بخوانیم، جز کسر کوچکی از آن کتاب‌ها را نخوانده‌ایم. من خودم در بحث پژوهشی درباره برخی از فلاسفه آغاز دوران جدید، مخصوصاً دکارت سهم دارم؛ و تک‌رساله‌هایی هم درباره برخی از موضوعاتی که در بخش موضوعی آمده‌اند، مثل فلسفه ذهن و فلسفه دین منتشر کرده‌ام. اما در گردآوری کتاب‌شناسی جلد حاضر، می‌دانستم مطالبی که نخوانده‌ام چقدر بیشتر از چیزهایی هستند که آشنایی دارم.

هر مولفی که بخواهد یک نفره تمام تاریخ فلسفه را بنویسد، همان اول می‌فهمد که در خصوص جزئیات، در مقایسه با پژوهشگرانی که حوزه تخصص‌شان فقط یک فیلسوف است، چه ضعف عظیمی دارد. در عوض، تاریخ فلسفه‌ای که با یک قلم نوشته شده باشد بر ویژگی‌هایی از تاریخ فلسفه انگشت می‌گذارد که در تاریخ فلسفه‌هایی که گروه متخصصان می‌نویسند، کمتر دیده می‌شود. درست مثل عکس هوایی که جزئیاتی از منظره را نشان می‌دهد که در عکس‌های زمینی دیده نمی‌شوند. کسی که با پیش‌زمینه فلسفه باستان و قرون وسطی سراغ دوران اولیه فلسفه

جدید می‌آید، می‌بیند که بارزترین ویژگی این دوره، غیاب ارسطو از عرصهٔ فلسفه است. البته در دوره‌ای که در این جلد بررسی می‌کنیم، مطالعهٔ ارسطو در موسسات دانشگاهی ادامه یافت و از زمان تأسیس دانشگاه آکسفورد سابقه ندارد که آنجا ارسطو تدریس نشده باشد. ولی ویژگی بارز دیگر این دوره که آن را از قرن بیستم و قرون وسطی جدا می‌کند، این است که در این دوران فلسفه، بیرون از دانشگاه‌ها با شور و هیجان دنبال می‌شد. از بین فلاسفهٔ بزرگ قرن هفدهم و هجدهم، قبل از ولف و کانت کسی سمّت استادی فلسفه نداشت.

اما برسیم به نتایج خوب و بدِ پشت کردن فلسفه به ارسطو. از آنجا که فلسفه به معنی عام کلمه، چنانکه در بیشتر دوران مذکور فهمیده می‌شد، شامل علوم طبیعی تحت عنوان «فلسفهٔ طبیعی» بود، برداشتن سایهٔ سنگین ارسطو از سر آن فایدهٔ زیادی داشت. فیزیک ارسطو تا حد نومیذکننده‌ای پر غلط بود و همان اوایل قرن سیزدهم این نکته به اثبات رسید؛ احترامی که در قرون وسطی به فیزیک ارسطو می‌گذاشتند، مانع بزرگی بر سر راه پیشرفت علمی بود. ولی فلسفه به معنای اخص - که امروزه به عنوان رشتهٔ مجزایی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود - همان قدر که از رها کردن ارسطو سود دید، زیان هم کرد.

دوره‌ای که در جلد حاضر بررسی می‌کنیم، دوران حکومت دو غول فلسفه یعنی دکارت و کانت است که یکی بر اوایل و دیگری بر اواخر دوره حاکم بود. دکارت پرچم‌دار شورش علیه ارسطو بود. در مابعدالطبیعه، مفاهیم قوه و فعل را رد کرد و در علم‌النفس، آگاهی را جانشین عقلانیت به عنوان مشخصهٔ روان کرد. هابز و لاک در واکنش به عقل‌گرایی دکارتی، مکتب تجربه‌گرایی انگلیسی را بنا کردند ولی پیش‌فرض‌های مشترک آن‌ها با دکارت مهم‌تر از مسائلی است که آن‌ها را از هم جدا می‌کند. در بحث فلسفی از فاهمهٔ انسان، نبوغ کانت نقش متفاوت عقل و حس را با هم پیوند داد که تجربه‌گرایان و عقل‌گرایان آن‌ها را از هم جدا کرده و تحریف کرده بودند.

نشان دو گانه‌انگاری دکارتی، جدایی ذهن از ماده بود که مثل جدا بودن آگاهی از مکانیسم ساعت‌وار بدن تصور می‌شد. شکافی که این دو گانه‌انگاری ایجاد کرد

باعث شد در سراسر دوره مورد بحث روی مسائل مابعدالطبیعی سرمایه گذاری نشود. از یک طرف، اندیشمندان نظریپرداز، نظام‌هایی برپا کردند که بیشترین سرمایه‌شان ساده‌لوحی عوام بود. صورت و ماده‌گرایی ارسطو هر عیبی که داشت، لااقل خوبی‌اش این بود که جوهر‌هایش - چیزهایی مثل گربه و کلم - در جهان عادی وجود داشتند، برعکس چیزهای مجهولی مثل بنیاد جوهری،^۱ جوهر فرد،^۲ نفس الامر^۳ و مطلق. از طرفی هم اندیشمندان شکاک‌تر، نه فقط صورت‌های جوهری ارسطو بلکه کیفیات اولیه و ثانویه، جوهرهای مادی و دست‌آخر ذهن خود انسان را زیر سوال بردند.

هگل در مقدمه درس گفتارهای تاریخ فلسفه درباره تاریخ‌های احمقانه‌ای که خیلی راحت، توالی نظام‌های فلسفی را مشت‌باور و خطا و سواس فکری جلوه می‌دهند، هشدار می‌دهد. می‌گوید در چنین آثاری «تمام تاریخ فلسفه مثل میدان کارزاری است که مملو از استخوان مردگان است؛ تاریخ فلسفه فقط وادی مردگان نیست بلکه وادی نظام‌هایی است که ابطال شده و دچار مرگ معنوی شده‌اند، چون هر نظامی، نظام قبلی خود را کشته و دفن کرده است».^۴

هرچند سعی می‌کنم صادقانه آرای فلاسفه این دوره را بنویسم، امیدوارم این جلد دچار سانسور هگل نشود. معتقدم فلاسفه این دوره به رغم معیوب کردن خودشان با دورانداختن ابزارهای بسیار ارزشمندی که فلسفه دوره باستان و قرون وسطی ساخته بود، کمک‌هایی کردند که همیشه ارزشمندند و در فصل‌های موضوعی آن‌ها را شناسایی و توصیف خواهیم کرد. امیدوارم در این کتاب نمودار سود و زیان هم ترسیم شود. به نظر من حتی از تخیلات کسانی که هگل «قهرمانان اندیشه» می‌نامد هم چیزهای زیادی می‌شود یاد گرفت. فلاسفه بزرگ هر عصری، خطاهای بزرگی هم به جامی گذارند: افشای برخی از سردرگمی‌هایی که ظاهراً آن‌ها را از پا انداخته است، بی‌احترامی به آن‌ها نیست.

تقسیم‌بندی موضوعات در این جلد از دو جهت با جلدهای قبلی فرق دارد. اول اینکه فصل جداگانه‌ای به منطق و زبان اختصاص داده نشده است. چون فلاسفه این

1. sub-strata

2. monad

3. noumena

4. LHP, 17

دوره در این موضوع اصلاً سهمی نداشته‌اند که با قرون وسطی و قرن نوزدهم و بیستم قابل مقایسه باشد. (راست است که در این دوره فقط یک منطق‌دان نابغه وجود داشت که آن هم لایب‌نیتس بود. ولی اثر منطقی او تا قرن نوزدهم تأثیر چندانی نداشت). دوم اینکه برای اولین بار فصلی به فلسفه سیاسی اختصاص دادیم. فقط از زمان ماکیاولی و مور بود که نهادهای سیاسی آن زمان شباهت کافی به نهادهای زمانه ما پیدا کردند تا نگرش‌های فیلسوفان سیاسی با مباحث روزگار ما مربوط باشند. فصل فیزیک از جلد قبل هم خلاصه‌تر است، چون با آمدن نیوتن، تاریخ فیزیک به تاریخ علم پیوست و از تاریخ فلسفه جدا شد و لااقل تا مدتی، چیزی که برای فیلسوفان باقی ماند، برداشت‌های انتزاعی از مفاهیم زمان و مکان بود.

من وامدار پیتر مومتچیلوف^۱ و همکارانش در انتشارات دانشگاه آکسفورد هستم و نیز وامدار سه خواننده ناشناسی که پیش‌نویس اولیه این جلد را اصلاح کردند.

1. Peter Momtchiloff

فلسفه قرن شانزدهم

انسان‌گرایی و اصلاح

دهه‌ای را که در ۱۵۱۱ آغاز شد، می‌توان دوران اوج رنسانس دانست. رافائل در واتیکان، دیوارنگاره‌هایش را بر دیوارهای مقر پاپ نقش می‌زد و میکل‌آنژ سقف کلیسای سیستین را نقاشی می‌کرد. در فلورانس، خاندان مدیچی که از زمان ساونارولای اصلاح‌گر^۱ تبعید شده بودند، دوباره به قدرت و سروری رسیدند. نیکولو ماکیاولی که از صاحب منصبان جمهوری سابق بود، حالا در حصر خانگی به سر می‌برد و از این فراغت اجباری برای خلق اثری برجسته در فلسفه سیاسی بهره می‌برد که شهریار^۲ نام داشت و در آن به حاکمان برای کسب و نگهداری قدرت، اندرزهای بی‌پرده می‌داد. اندیشه و هنر رنسانس به کشورهای شمالی مثل انگلیس و آلمان رسید. یکی از همکاران میکل‌آنژ در صومعه وست‌مینستر آرامگاه هنری هفتم را طراحی کرد و دسیدریوس اراسموس هلندی^۳ که سرشناس‌ترین عالم عصر بود در اوایل دوران سلطنت هنری هشتم، در کمبریج درس گفت. اراسموس مهمان همیشگی خانه تامس مور بود. تامس مور، حقوق‌دانی بود در شرف رسیدن به مقامی سیاسی که او را پس

۱. اینجا منظور از اصلاح، اصلاحات کاتولیک است و با اصلاحات لوتر اشتباه نشود. - م.

2. *The Prince*

3. Desiderius Erasmus

از شاه، قدرتمندترین شخص در انگلیس می‌کرد.

اراسموس، مور و دوستان‌شان، انسان‌گرایی را که قرن قبل در ایتالیا ریشه دوانده بود در اروپای شمالی رواج دادند. آن موقع «انسان‌گرایی» به معنای جایگزینی ارزش‌های انسان دنیاگرا^۱ با ارزش‌های مذهبی نبود. اراسموس کشیشی بود که پر فروش‌ترین کتاب‌ها را دربارهٔ دین‌داری نوشت و مور هم بعداً شهید عقاید مذهبی‌اش شد. در عوض، انسان‌گراها کسانی بودند که به ارزش آموزشی «ادبیات انسانی‌تر» (literae humaniores) متون لاتینی و یونانی باور داشتند. آن‌ها سبک نویسندگان سنی را خواندند و تقلید کردند که بسیاری از متون آن‌ها به تازگی بازیابی شده بود و به نعمت صنعت تازه توسعه‌یافتهٔ چاپ، منتشر می‌شدند. آن‌ها معتقد بودند که پژوهش در متون الحادی باستان، موجب بازیابی فنون و علوم از یاد رفتهٔ اروپا می‌شود و پژوهش در کتاب مقدس و آثار نویسندگان مسیحی باستان به مسیحیت کمک می‌کند که فهم معتبرتر و خالص‌تری از حقایق مسیحیت داشته باشند.

انسان‌گراها به دستور زبان، واژه‌شناسی و بلاغت خیلی بیشتر از مطالعات فلسفی فنی که پژوهشگران قرون وسطی را دل‌مشغول کرده بود، اهمیت می‌دادند. آن‌ها از لاتینی که زبان مشترک دانشگاه‌های قرون وسطی بود، بیزار بودند که از سبک آثار سیسرو و لیوی خیلی دور شده بود. اراسموس از درس خواندن در سوربن ناراضی بود و مور منطقی را که در آکسفورد یاد گرفته بود، مسخره می‌کرد. در فلسفه هم هر دو بیشتر به افلاطون گرایش داشتند تا ارسطو و خیل تحسین‌کنندگان قرون وسطایی‌اش. مور با انتشار یک طرح خیالی از کشوری آرمانی در ۱۵۱۶ به افلاطون خوشامد گفت. در آرمان‌شهر^۲ مور هم مثل جمهوری افلاطون، مالکیث اشتراکی است و زنان دوشادوش مردان در ارتش خدمت می‌کنند. مور که آثارش را در عصر اکتشاف و نوپایی می‌نوشت، ادعا کرد کشوری که توصیف می‌کند واقعاً در جزیره‌ای آن سوی اقیانوس وجود داشته است. ولی مثل افلاطون به عنوان حامل فلسفهٔ سیاسی نظری و ناقد جامعهٔ روزگار خود از مفاهیم خیالی استفاده می‌کند.^۳

1. secular

2. Utopia

۳. فلسفهٔ سیاسی ماکیاولی و مور در فصل نهم به تفصیل بررسی شده است.